



است. مردم برای رفع مشکلات مردم پای کار می آیند و به کمک سازمان ها و ارگان های خدمت رسانی می روند که به دلیل کجولت سازمان یا حاکمیت بوروکراسی اداری سرعت پایینی برای امداد رسانی دارند. در بحران برف کهگیلویه و بویر احمد در اسفند ۱۴۰۱ و زلزله شهرستان خوی حضور سریع و امداد رسانی مردم به مردم از بروز تنش و بیشتر شدن آسیب ها جلوگیری کرد. الحمدلله که در جامعه اسلامی ما برکت حضور مردم شکل فزاینده ای داشته است و اینک کشور ما مدبرانه بر بحران های طبیعی فائق می آید. همیشه امیدوار هستیم که آسیب های طبیعی سیل و زلزله در کشور ما به حداقل برسد اما تدبیر قبل از اتفاق افتادن این حوادث نیز عاقلانه به نظر می رسد.

”

نکته ای دیگر که ممکن است تجربه ای منفی از زلزله ی کرمانشاه باشد آن است که اهمیت سازمان دهی گروه های مردمی نیز پس از زلزله کرمانشاه بر همه ی جهادگران واضح و مبرهن شد. در زلزله ی کرمانشاه به واسطه ی بستر ایستادگرا م و فضای مجازی هر فردی بدون تأیید هیچ ارگانی اقدام به جمع-آوری کمک مالی می کرد!

جمع شدن مردم و حل مشکلات می باشند و از این نظر هم احداث مسجد با محلی برای عبادت مردم، قابل توجه است.

پس از خروج از منطقه؛

حفظ ارتباط با منطقه پس از دو ماه، پایگاه امداد روحانیت به بومیان منطقه واگذار شد و مقام معظم رهبری از فردوس خارج شدند اما هر از چندگاهی برای بازدید از اقدامات صورت گرفته و رفع مشکلات احتمالی به منطقه سر می زدند. حضور مستمر گروه های مردمی با استفاده از ظرفیت مردم در این مورد لحاظ شده بود.

انتقال تجربه

تجربه مدیریت مردمی بحران طبیعی زلزله در سیل منطقه ایران شهر نیز به داد مردم می رسد و مقام معظم رهبری با انتقال تجربیات خود از فردوس به ایران شهر راه حلی برای حل مسائل سیل زدگان و کمتر شدن دردهای آنان پیدا می کند.

«به دره رفتیم، خانه هایی که در دره ساخته شده بودند جز اثری از آنها باقی نمانده بود. زمانی که آنجا ایستاده بودیم یک خانواده بلوچ را دیدیم که می آیند. چند زن، یک مرد و یک کودک بودند. کودک در دستان مرد خوابیده بود و روزها گریه می کردند. وقتی به ما رسیدند فهمیدیم که طفلی که در دست این مرد است مرده است. این تصویر من را از درون ویران کرد و بلند بلند گریه کردم.»

همچنین در مورد سیل ایران شهر آمده است: «سر قضیه سیل ایران شهر، آقا به دوستانشان از جمله پدرم پیام داده بودند که برای کمک به سیل زده ها پول و وسایل ضروری نیاز داریم. پدر نیز پول زیادی تهیه کردند. وقتی با پدر به ایران شهر رسیدیم، جلسه ای تشکیل شد برای چگونگی کمک رسانی به سیل زده ها. در جلسه وقتی نوبت به جمع آوری کمک های مالی شد، هر کس مقدار پولی را که جمع کرده بود تقدیم کرد. پول هایی که بقیه آورده بودند سی هزار تومان بود و پولی که ما از مردم فردوس جمع کرده بودیم ۵۰ هزار تومان.»

و اما امروز

در حال حاضر تعداد گروه های جهادی و مردمی از ۵۰ هزار تا فراتر رفته